

معماری و جرم

نوشین رحمتی

کارشناسی معماری

Noushin.rahmati@gmail.com

چکیده

این مقاله به صورت توصیفی تحلیلی نگارش گردیده است، می توان در اینجا به دستاوردهای مقاله اشاره کرد که اعم است از ایجاد زمینه هم اندیشی بین جرم شناسان و طراحان شهری و بررسی امکان پیشگیری و کاهش جرائم و ناهنجاری ها با توجه به نظریه های علم حقوق و رویکردهای جرم شناسی در جهت کاهش آسیب های اجتماعی، هنوز عوامل زیادی هستند که سلامت انسان ها، خصوصاً سلامت روانی آنان را تهدید می کنند. محیط کالبدی که توسط خود انسان ساخته شده است، می تواند یکی از همان عوامل تهدیدکننده برای انسان باشد. در حالی که تمرکز عمده تحقیقات دانشمندان در قرن معاصر بر روی سلامت جسمی بوده، سلامت روان نسبتاً کمتر مورد عنایت قرار گرفته است. از آنجا که رابطه انسان و محیط دوسویه است هم کیفیت معماری محیط بر سلامت عمومی موثر است و هم کسانی که سلامت عمومی بهتری دارند، از کیفیت معماری محیط رضایت بیشتری را ابراز می کنند. اگرچه در سالهای اخیر پیشرفت های ارزشمندی در زمینه مهندسی در کشورمان انجام شده با این وجود لازم است بر جنبه هایی نیز در مهندسی تاکید و بازنگری کنیم. از آن جمله مبحث رعایت موازینی از طراحی و مشکلات فراوانی را در شهرها در پی داشته، به طوری که امروزه، امنیت و آسایش شهروندان را تهدید می کند. معمولاً اعمال مجرمانه در قسمت هایی از شهر بیشتر اتفاق می افتد. چون مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده عمل می کنند و اماکنی را جهت اعمال مجرمانه خود بر می گزینند که ارتکاب جرم در آن با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان پذیر باشد. و ممکن است مواردی از این نقاط ناشی از برنامه ریزی یا طراحی شهری نسنجیده باشد. پس برنامه ریزان شهری می تواند توجه ویژه ای به موضوع داشته باشند. CPTED (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) از تکنیک هایی است که می تواند در این راستا به برنامه ریزان کمک نماید.

واژگان کلیدی: جرائم شهری، طراحی محیطی، جرم شناسی، امنیت

مقدمه

یکی از راه های مهم ارتقاء هر علم و رشته کاری تدبیر در اجرا و عملی ساختن اهداف آن رشته و علم و فن است با بررسی اهداف معماری و مروری بر روند معماری و فلسفه وجودی آن می توان پی برد که نیاز به دقت نظر در بعضی از نقاط این فن می باشد، چون اینجانب علاقمند به مطالعات و تعاملات میان رشته ای معماری با سایر علوم و فنون بوده این موضوعات را دنبال می نمایم، از جمله مقالاتی را در مورد ضرورت همکاری بین رشته ای با علم حقوق ملاحظه نمودم بدیهی است برای تحقق این امر راه های متعددی وجود دارد از جمله حضور حقوقدانان و جامعه شناسان در مجامع برنامه ریزی و طراحی شهری و لحاظ نمودن نقطه نظرات تخصصی این اندیشمندان در شهرسازی و معماری برای مبحث مصونیت حتی المقدوری از آسیب اجتماعی. به نظر می رسد هنوز راه درازی در این خصوص در پیش داریم. در حال حاضر با توجه به تغییرات شگرف قرن اخیر بنیان بسیاری از روابط یاد شده دگرگون شده و ضرورت جایگزینی روش های متناسب با زمان کاملاً محسوس می باشد. در معماری سنتی ایرانی که غالباً سرمشق گرفته از حکمت ایرانی و اجرای آن توسط انسان های وارسته ای صورت می گرفته با انتقال سینه به سینه تجارب و برگرفته از حکمت های زمانه و نوع معماری درون گرا ایرانی مشکلات بسیاری از عوامل آسیب زا اجتماعی و شهری جلوگیری می شد. با توجه به مباحث مطرح شده این آموزه ایجاد می شود که علاوه بر راه حل های مختلفی که میتوانند تقویت کننده تعامل میان رشته ای بین معماری و حقوق باشد یک نکته ی اساسی مغفول مانده است و آن برگزاری کارگاه های آموزشی و گذراندن واحدهایی ولو به مقدار کم از اصول ارتباط جرم شناسی و طراحی محیطی. نکته ای که نگارنده در رابطه با این

تعاملات میان رشته ای به آن تاکید می نماید ضرورت یادآوری و تذکر و تدریس نکات کلیدی پیشگیری از آسیب های اجتماعی و وقوع جرم در دانشکده های معماری می باشد. تذکر و تدوین نکات کلیدی جرم شناسی می تواند ذهن دانشجویان معماری را متوجه لایه های پنهان مبارزه با جرم و اعمال این دانسته ها در اصول برنامه ریزی و طراحی بنماید. (رحمتی، نوشین، ۱۴۰۲)

۱- مفاهیم

آنتونی گیدز معتقد است: وظیفه جرم شناسان این است که اجتماع را علیه بزهکاری مجهز نمایند و اقدامات لازم برای درمان بزهکاران را به عمل آورند، یعنی هم علل جرم را در مورد مطالعه قرار دهند و هم راه های پیشگیری و طرق جلوگیری و تکرار جرم را بررسی کنند تا بتوانند هم اجتماع و هم افراد را در مقابل جرائم حفظ نمایند (صبوری، ص ۱۳۷۷، ۱۲۷) از یک دید کلی جرم رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی قرار می دهد (گلدوزیان، ۱۳۶۹: ۱۴۳) پیشگیری از جرم را میتوان بطور کلی در دو هدف کاهش حقیقی جرم و افزایش احساس سلامتی و امنیت تعریف کرد. (رستمی، ۱۳۸۹: ۲۴)

۲- پیشینه تحقیق:

کتاب ها و مقاله های مختلفی در زمینه پیشگیری از جرم و روانشناسی محیطی تالیف شده است. این آثار، خاستگاه های پیشگیری از جرم را از رهگذر طراحی محیطی می توان بررسی کنند.

۱. کلکوهن، معمار و طراح شهرسازی است. طراحی عاری از جرم حوزه ی رو به پیشرفتی است. که شکاف میان طراحی و مدیریت محیط های شهری را پر می کند. این کتاب برگرفته از دیباچه ی دکتر تیم پاسکو که در جهت طراحی محیطی و راهکارهای موثر و ویژه ای را بررسی و ارائه نموده است و نیمون (۱۹۷۲) در کتاب فضاهای قابل دفاع به چارچوب کالبدی و محیطی یک محله خوب و امن که در آن ساکنان قادر باشند به محیط اطراف خانه هایشان را که شامل خیابان ها و فضاهای باز اطراف ساختمان ها و همچنین فضاهای داخلی از قبیل لابی، راهروها و پل ها تمرکز داشته باشند. همچنین وی روش های براطی طراحی مناطق و منازل ارائه کرده تا با بهره گیری از ساکنان آنها بتوانند از محیطی که به آنان تعلق داشته محافظت کنند.

۲. جاکوبز (۱۹۶۱) در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی بیان می دارد تنوع و حیات شهری به وسیله طراحان شهری و استراتژی های و باره شهرسازی نابود می شوند او با اصول طراحی شهری زمانش مبارزه کرد و از دکتر آنگل، اسپلوم (۱۹۶۸) با موضوع «کاهش جرم از طریق طراحی شهری» یک مطالعه در مورد جرم های خیابانی بود. در بیانات او آمده است که: محیط فیزیکی می تواند اثرات مستقیمی بر روی بستر جرم به وسیله طرح قلمروها کاهش یا افزایش دسترسی ها به وسیله تقویت مرزها داشته باشد. او بیان کرد که جرم ارتباط معکوسی با فعالیت در خیابان ها آرد و محیط باریک اجتماعی به طور خاصی نسبت به جرم آسیب پذیر است و سی. ری. جفر (۱۹۷۱) جرم شناسی است که بر اساس نتایج و محققان قبلی نظریه CPTED در دهه ۷۰ ارائه داد. کتاب جفری به نام جلوگیری از جرم با استفاده از طراحی محیط وارد بازار شد یا نظریه CPTED جفری با استفاده از تجربیاتش به اجرا کردن پروژه ای در واشینگتن بر می خیز که تلاش کرد محیط مدرسه را کنترل کند. جفری در نظریه اش بر روی نقش محیط فیزیکی در اجرای تجربیات هنجار و ناهنجاری مختلفی که ظرفیت تغییر رفتار را دارد، تاکید می کند.

۳. نظریه فعالیت روزمره در سال (۱۹۷۹) توس «کوهن» و «فلسون» مطرح شد. «مکان» در این نظریه شرط لازم و اساسی است. بر اساس این نظریه محیط شرایط مناسبی را برای بروز جرم ایجاد می کند و افراد بزهکار را به اهداف دلخواه برای ارتکاب جرم ترغیب می کند (مرشدی، ۱۳۸۶). نظریه ی هندسه جرایم را که اولین بار پل و پاتریشیا برانتینگهام در سال (۱۹۷۸) با الهام از مکتب شیکاگو مطرح کردند، به این نکته توجه دارد که طرح و فرم، ابعاد کالبدی تجهیزات و تاسیسات شهری- جاده ای- سیستم ترانزیت- کاربردیها و ... بر رفتار نابهنجار و مجرمانه تاثیر می گذارند هندسه ی جرایم به اندازه و ابعاد فضا و محیط لازم برای ارتکاب جرایم نظر دارد و نیاز جرایم به فضا و شعاع عمل را مطالعه می کند.

۳- شهر، کالبد، روان

همانگونه که انسان دارای کالبد و روان است. اگر ساختار فیزیکی شهر را به مثابه ی کالبد فرض کنیم روابط اجتماعی شهری نیز به منزله ی روان شهر شناخته می شود. بنابراین همان طور که نحوه عملکرد جسم بر روح اثر می گذارد چگونگی برنامه ریزی، طراحی و شهرسازی نیز بر روابط اجتماعی هر شهری تاثیر مستقیم دارند. اگرچه آثار روح بر جسم را نیز می دانیم و در نتیجه اثر بخشی و الزاماتی که روابط اجتماعی می تواند بر ساختار فیزیکی شهرسازی داشته باشد باید در نظر داشت. در این مقاله سعی بر آن خواهیم داشت تا عوامل جرم را مرتبط با مبحث مهندسی، طراحی و شهرسازی را مدنظر قرار دهیم (اردکانی، ۱۳۹۷: ۱۱) مقوله ساخت و ساز شهری، یک مقوله فرهنگی و اجتماعی است که ریشه در فرهنگ گذشته هر سرزمین داشته و نشانگر نحوه تفکر و نوع زیست یک ملت است. به عبارت دیگر، معماری هر جامعه در هر دوره از تاریخ، تبلور ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... حاکم بر آن جامعه و متشکل از تفکرات و سنن آنان است. از طرفی نیز، معماری و نحوه ارتباط عناصر معماری، بر رفتار انسان ها تاثیر گذاشته و فرهنگ آنان را متأثر می نماید. به دیگر سخن، گرچه بناها و فضاها ساخته دست بشر است، ولی خود نیز بر رفتار اجتماعی و فردی آنان اثر می گذارد. امروزه معماران به این موضوع پی برده اند که فضای فیزیکی دقیقاً همانند قواعد حقوقی می تواند موجب تقویت هنجارها شود. مطالعه معماری نشان میدهد که قواعد حقوقی، تنها ابزار بیان اصول و ارزش های جامعه نیستند؛ بلکه محیط فیزیکی نیز می تواند بیانی از اهداف و اصول جامعه باشد. محیط فیزیکی می تواند بدون واسطه با هر کسی که آن را مشاهده کند «با زبان بسته» سخن گوید. قدرت معماری در بیان هنجارها نباید دست کم گرفته شود. حقوق در مقام شکل دادن به هنجارهای اجتماعی ابزار کاملی نبوده و در بسیاری از موارد، ناکارآمد است. حقوق برای موفقیت خود باید به مردم شناسانده شود. در واقع مردم باید حقوق را بدانند و به آن پایبند گردند. اما برخلاف آن، معماری جزئی فراگیر از زندگی ماست. معماری می تواند به طور ناخودآگاه در زندگی مردم تاثیر بگذارد؛ بنابراین نیاز به معرفی و شناسانده شدن به مردم ندارد. مهندسان معماری می توانند فضاهایی ایجاد کنند که مردم را به هم نزدیک یا از هم دور کنند. همچنین می توانند احساس امنیت و راحتی را تقویت کرده، یا اینکه بر شلوغی و روان پریشی افراد اجتماع بیافزایند. تحقیقات روان شناختی، اثر طرح و نقشه بر رفتار و دیدگاه ها را نشان می دهد. (مزینی، ۱۳۷۵)

۴- رویکرد پیشگیرانه ناظر بر معماری و شهرسازی اصولی

یکی از مهم ترین عوامل در طراحی شهرها افزایش نظارت بر نقاط آسیب پذیر است. با توجه به دیدگاه روان شناسی محیط در پیشگیری از وقوع جرایم می توان اظهار داشت که با توجه به تاثیرات قابل ملاحظه ی طراحی بر محیط بر کنش های انسانی و دگرگونی های رفتاری، شهرسازان و طراحان می توانند با تغییر فضاهای شهری سبب کاهش رفتارهای پرخطر و خشونت آمیز در سطح جامعه و در نتیجه جرم شوند. در مباحث پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی باید طراحی محیطی به گونه ای باشد که مجرم سود و بهره ای را که از نتیجه رفتار مجرمانه ی خود انتظار دارد، دست نیافتنی و غیرقابل صرفه بدانند، در مباحث جرم شناسی نیز که چندین راهکار برای پیشگیری از جرم وجود دارد برخی از آن ها به اصول و الگوهای شهرسازی بر می گردد. اصول شهرسازی مدرن بر این اساس است که معماری ساختمان ها و موقعیت قرار گرفتن آن ها باید طوری طراحی شود که بتواند باعث برهم زدن معادلات مجرمانه شود، به طوری که ریسک ناشی از جرم و سود آن به حداقل برسد که در این حالت مجرم کمتری برای ارتکاب جرم تمایل پیدا می کنند، نظریه پیشگیری از جرم از طریق محیط نیز بر این عقیده است و همواره به این نکته توجه دارد که مجرم در انتخاب جرم، هدف جرم را به گونه ای انتخاب می کنند که به راحتی به آن دسترسی داشته باشند و از طرف دیگر امکان شناخته و دستگیر شدن آن حاکم شود، پس اگر در معماری و شهرسازی از تکنیک هایی که امکان شناسایی و دستگیری مجرم بالقوه را افزایش دهد استفاده شود میتوان قدم موثری در کاهش وقوع جرم برداشت. بنابراین یکی از انواع راهبردهای پیشگیرانه از جرم طراحی محیط است (CPTED) که نخستین بار توسط جرم شناس آمریکایی سی ری جفری در کتابی با همین نام ارائه شد. این نظریه بر این اندیشه استوار است که رفتار انسانی در محیط، تحت تاثیر طراحی آن محیط قرار دارد همچنین این نظریه تاکید می کند که با بهینه سازی فرصت های ناظر، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط میتوان مجرم را از ارتکاب جرم بازداشت. (CPTED) در حقیقت پیش بینی تشخیص، درک احتمال وقوع جرم و انجام اقدام هایی مناسب برای از بین بردن خطر وقوع جرایم است با طراحی محیط مناسب می توان

محل وقوع جرم را برای فعالیت مجرمان نامناسب ساخت و از سوی دیگر ترس از وقوع جرم را برای قربانیان جرم کاهش داد. (جی هوپروچی دروگ، ۱۳۸۶: ۲۳) به عبارت دیگر هدف از (CPTED) بهبود جنبه های فیزیکی و اجتماعی محیط است که به موجب آن تغییراتی در محیط فیزیکی به وجود می آید که مجرم را در انجام جرم ناتوان می سازد.

۴-۱- پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی

پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی برای اولین بار در سال ۱۹۷۱ به وسیله ی جرم شناس معروف سی-ری. جفری مطرح شد. اگرچه، سرچشمه ی این اندیشه به اثر «جین جاکوبز» (Jan Jacobs) با عنوان «چشم های خیابان» و کتاب تاثیرگذار وی با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» باز می گردد. نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی می خواهد با تغییر و اصلاح محیط کالبدی، فرصت های ارتکاب بزهکاری را کاهش دهد. راهبردهای سنتی نگرش «پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی» بر قلمروگرایی، نظارت طبیعی و وجود چشم هایی بر روی خیابان تاکید داشت و دسترسی به بیرون و درون ساختمان و واحدهای همسایگی را در نظر می گرفت. در این نگرش به مقاوم سازی فضاهای آسیب پذیر قلمروهای عمومی و دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه تمرکز می شد، یعنی توجه به این نکته که رفتار مجرمانه کجا و چه هنگام رخ میدهد. نسل دوم «نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی» در سال ۱۹۹۷ به وسیله ی افرادی چون جی. ساویل و جی. کیولند توسعه یافت. در این نگاه نو تلاش شد تا توسعه ی طراحی ها با راهبردهای پیشگیری بزهکاری ادغام شود و بدین وسیله راهکارهای کاربردی و علمی برای کاهش ناهنجاری های اجتماعی ارائه گردد. برای نمونه از طریق طراحی محیطی مردم یک محله به رعایت معیارهای ایمن سازی تشویق می شوند. (کلانتری و بیرامی، ۱۳۹۰)

۵- توجه به معماری و شهرسازی از منظر اجتماعی:

از آنجا که مردم ساعت های شبانه روز را در شهر می گذرانند، نوع شهرسازی و استفاده از رنگ های مناسب، زیباسازی شهری و... باید به نحوی باشد که باعث ایجاد حس امنیت و آرامش در شهروندان شود. در بسیاری از محیط های شهری به دلیل عدم توجه به این مساله شاهد ایجاد اختلالات عصبی و روانی در شهروندان هستیم. به عنوان مثال برخی شهرها با تغییر رنگ پل های عابرپیاده از سیاه به سبز آمار خودکشی روی پل ها را به شدت کاهش میدهند. همچنین در برخی نقاط شهری که دارای آلودگی صوتی بیشتری می باشد با پوشش گیاهی درختان پهن برگ می توان اقدام به کنترل آلودگی صوتی کرد که این کار آرامش زیادی به مردم خواهد داد و پرخاشگری ها بسیار کمتر می شود. از این رودر شهرسازی ایمن و شهر انسانی، قطع درختان برای تعویض خیابان ها هیچ منطقی را برای انسان شهری نخواهد داشت. در واقع با توجه به تاثیرات قابل ملاحظه طراحی محیط بر کنش های انسانی و دگرگونی های رفتاری، شهرسازان و طراحان می توانند با تغییر در فضاهای شهری، سبب کاهش رفتارهای پرخطر و خشونت آمیز در سطح جامعه و در نتیجه کاهش جرم خواهد شد. جرم شناسان از دیر زمان در پی آنند که با مطالعات آسیب شناسانه و بررسی های علمی و تخصصی عوامل تشکیل دهنده جرم را شناسایی کنند و راهکارهای مقابله و کاهش آن را مورد شناسایی قرار داده اند. شاید در یک نگاه واقع بینانه رابطه معنادار و قابل انتسابی بین محیط و وقوع جرم مشخص نباشد. (حسینی، سیدمحمد، ۱۳۸۴)

۵-۱- تاثیر معماری شهری در کاهش یا افزایش انواع جرایم:

یکی از عوامل موثر در وقوع جرم، محیط اجتماع و زندگی است و بررسی موضوعاتی همچون کیفیت و نحوه معماری مسکن و چگونگی شهرسازی در جوامع و شهرهای مختلفی یک کشور یا محله های متفاوت یک شهر مبین تاثیرگذاری محیط بر بزه کاری است. نوع و کیفیت معماری و شهرسازی در کاهش یا افزایش وقوع جرایم تاثیر بسیاری دارد هرچند در تصویب قوانین به این موضوع توجه چندانی نشده است. شهرسازی و نیز معماری ساختمان ها رابطه مستقیمی با جرم دارد. از این روست که برخی کشورها در محوطه معماری جنایی به گونه ای علمی عمل می کنند و در طراحی ساختمان ها و شهرها توجه ویژه ای به این موضوع دارند که این توجه سبب جلوگیری از بروز جرم و جنایت تا حد ممکن می شود. اگر به آمار پرونده های وارد شده به مراجع قضایی و انتظامی مناطق جنوب و حاشیه شهرهای بزرگ توجه کنیم، می بینیم که درصد قابل توجهی از جرایم ناشی از

درگیری و نزاع ساکنان یک کوچه یا خیابان به واسطه نداشتن پارکینگ اختصاصی برای پارک وسیله نقلیه و همچنین فقدان خیابان ها و کوچه های متناسب با استانداردهای شهرسازی اصولی است و همین موضوع باعث بروز اختلاف و درگیری و در نهایت وقوع جرایم و ایجاد اخلاص در نظم اجتماعی می شود.

۲-۵- نقش نور در کاهش جرایم

یکی از فاکتورهای موثر در طراحی محیط استفاده مناسب از نور است. نور چند کاربرد دارد که اولاً باعث رویت بهتر اشیا می شود. دوم اینکه محیط نورانی احساس مطلوب تری را نسبت به محیط تاریک و محیط هایی که از نور مصنوعی استفاده می کنند در فرد ایجاد می کند. بطوریکه گفته شده نور باعث افزایش قدرت نظارت و بالا بردن خطر ارتکاب جرم می شود. آمار وقوع برخی جرایم نشان می دهد ارتکاب آن جرایم در فصل زمستان بیشتر است. علت این افزایش تا حدی به طولانی بودن مدت تاریکی در این ماه ها مربوط است. در یک تحقیق پس از آنکه نور خیابان های یک منطقه را ۴ برابر بیشتر کردند، مشاهده شد میزان جرم بیش از ۱۴ برابر کاهش یافت. توجه داشته باشید حتی نور (لامپ) می تواند در وقوع یا جلوگیری از برخی جرائم موثر باشد. چشم های انسان به سختی با درجات مختلف نور سازگار و منطبق می شود. بنابراین اگر روشنایی خیلی ناموزون یا تابش بسیار زیاد باشد، این مسئله به کاهش مراقبت طبیعی منجر خواهد شد. از سویی دیگر بعضی نورپردازی ها تاثیرات منفی در سلامت اشخاص می گذارد. این همان وضعی است که امروزه در بسیاری از تابلوهای تبلیغاتی وجود دارد.

۳-۵- نقش رنگ ها در کاهش جرایم:

رنگ ها می توانند باعث ایجاد یا کاهش هیجانانگیز شود. در لندن مشخص شد با تغییر رنگ پله های پل های غابریاده از مشکی به سبز، میزان خودکشی های انجام گرفته از طریق پرتاب از بلندی بسیار کم شده است. بنابراین در بحث محیط ما به این مسئله توجه داریم که در زندگی شهری رنگ بسیار مهم است. در حقیقت تصور دنیایی بدون رنگ امکان پذیر نیست. در محیط شهری رنگ را در همه جا می توان دید در بدنه و نمای ساختمان ها، خودروها، مبلمان شهری، پوشش بام ها و ... در جوامعی که رنگ های کدر یا تیره غالب است رفتار مردم در مقایسه با شهرهایی با طراحی تند و شاد متفاوت است. بنابراین در جرم شناسی به تاثیر رنگ بر انسان و پاسخ های انسانی نسبت به رنگ هایی مانند قرمز، زرد، آبی و صورتی توجه زیادی می شود. به عنوان مثال در رستورانهایی با مشتری های گذری، معمولاً از رنگ قرمز استفاده میشود. این رنگ باعث کاهش زمان و بالا بردن سرعت غذا خوردن و خروج سریع مشتریان از رستوران برای جانشینی مشتریان جدید می شود. امروزه از رنگ در خصوص درمانهایی معروف به رنگ درمانی نیز استفاده میشود تا به این ترتیب احساسات، روحیه و روان افراد را متعادل می سازند.

۶- تاثیر طراحی محیط شهری بر میزان بزهکاری

کالبد و بافت فیزیکی محیط در بردارنده ی بعد پنهانی به نام بعد اجتماعی است که تاثیر آن در رفتار انسانی با اهمیت و سرنوشت ساز می باشد، طراحی و معماری شهری با فضاهایی سروکار دارد که انواع فعالیت ها در چارچوب های گوناگون در آن رخ می دهد و به این فضاها معنی و مفهوم می بخشد، جرم نیز به عنوان یکی از رفتارهای انسانی از قاعده ی ارتباط با محیط مستثنی نیست. بنابراین می توان اذعان داشت که بحث از ارتباط میان رفتار انسانی و محیط پیرامون اومساله نوظهوری نبوده و کمابیش از این عقیده وجود داشته است که انسان هویت محیط را هویت خویش می پندارد و گرایش به استحاله ی مختصات هویتی خویش به سمت کسب مختصات هویت محیط دارد. (نقی زاده، ۱۳۸، ۸) برخی از مکان های شهری به لحاظ کیفیت نامناسب ساخت و سازهای شهری و هم چنین عوامل محیطی که از دیدگاه روانشناسانه سبب گرایش افراد به خشونت می شوند ارتکاب جرم را تسهیل می کنند و مجرمان انگیزه دار را که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال کم خطرترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه هستند، به سوی خود جذب می کند. از حدود دهه ۷۰ میلادی نیز این تفکر بوجود آمد که نابرابری جرایم را با تفاوت در شرایط مکانی می توان مشاهده کرد، به طوری که در مکان هایی که فرصت های ارتکاب جرم را با دشواری همراه می کند با میزان وقوع جرم و بزهکاری کم تری روبرو است و برعکس شرایط تسهیل کننده باعث ایجاد

ناهنجاری شهری خواهد شد، بنابراین طراحی فضاهای شهری باید به گونه ای باشد که فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی از یکدیگر متمایز باشند، زیرا اگر این فضاها تفکیک شوند هر فرد نسبت به فضای خود احساس تعلق خواهد کرد و در نتیجه در صورت ورود فرد غریبه یا مهاجم وی مورد مراقبت و نظارت ساکنین قرار خواهد گرفت و انجام وقوع جرم به حداقل خواهد رسید. توجه به ارتباط بین محیط مسکونی و ساختار شهرها و افزایش ایمنی آن از طریق بهبود در طراحی محیط مقوله ای است که در بسیاری از کشورها توجه لازم به آن مبذول نشده است و این نادیده انگاشتن طراحی مناسب محیطی که در قالب معماری و شهرسازی نمود می یابد بر روند افزایش وقوع جرم در جامعه کمک شایان توجهی کرده است. در جرم شناسی نیز میزان تاثیر امکان شهری بر وقوع جرم یک مساله علمی و ثابت شده است به عبارت دیگر می توان اذعان داشت که اگر محیط القا کننده نوعی بی نظمی باشد این بی نظمی باعث کاهش کیفیت زندگی شده و در نتیجه احساس نا امنی بیش تر می شود و در این حالت بزهکاران به دنبال فعالیت بخشیدن به اندیشه ی مجرمانه ی خود خواهند شد که از این حالت در جرم شناسی گذر از اندیشه به عمل مجرمانه تعبیر می شود. تئوری پنجره های شکسته فلیپ زینباو که برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ مطرح شد نیز به نادیده گرفتن محیط فیزیکی اشاره کرده و بیان می کند که یک پنجره شکسته و تعمیر نشده خود نشانه ای از این است که هیچ کس نگران نیست و بنابراین شکستن پنجره های بیش تر هیچ هزینه ای نخواهد داشت در واقع فرض این نظریه آن است که هیچ کس به قلمرو خود اهمیتی نداده یا مسئولیتی در قبال محیط اطرافش قبول نکرده است. امروزه با بالا رفتن آمار جرایم، به خصوص در محیط های شهری از یک طرف و آگاهی به پیشگیری قبل از وقوع جرایم از سوی دیگر انتظار می رود متخصصین رشته طراحی محیطی و معماری به رویکردهای معطوف به کاهش و بازدارندگی از جرایم توجه خاص مبذول دارند، بر این اساس، رویکردهای جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی در حوزه شهر و مسکن باید مورد توجه برنامه ریزان و طراحان حوزه معماری و شهرسازی قرار گیرد. (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۵۴)

۱-۶- طراحی مناسب نماهای شهر

کیفیت نامناسب ساخت و سازهای شهری و همچنین عوامل محیطی که از دیدگاه روان شناسانه سبب گرایش افراد به خشونت می شوند ارتکاب جرم راتسهیل می کنند. در معماری شاخه ای داریم به نام روان شناسی محیطی که با تعامل و روابط میان مردم و محیط شان سرو کار دارد و به بررسی رفتار متقابل انسان و محیط (کالبدی) می پردازد. روان شناسان محیطی بیش تر در روان شناسی اجتماعی، دنبال ریشه های رشته خود هستند. نظریه های متعددی در این باره وجود دارد. برخی معتقد به اثر قطعی محیط بر انسان و رفتار او (جبریت کالبدی) هستند و برخی به احتمال این اثر معتقدند؛ زیرا رفتار، محصول فرآیند درونی شده ی شرایط و جریان های محیط خارجی (کالبدی و غیرکالبدی)- در طول یک بازه زمانی- است که از یک شخص سر می زند. (متین فر، محمدرضا، ۱۳۹۲) عوامل ایجاد آسیب های اجتماعی- که فقر، خودکشی، اعتیاد، سرقت، مهاجرت، طلاق، برخوردارهای فیزیکی، جرم و جنایت و ... نمودهای آن است- وسعت و پیچیدگی زیادی دارند. برخی از این آسیب ها ناشی از عدم امنیت در فضاهای شهری و بعضی ناشی از عدم رضایت از محیط زندگی، کار، سکونت تفریح و ... است. به این معنا که میتوان با طراحی مناسب فضاهای شهری، به کاهش شرایط جرم خیزی کمک کرد و بالعکس؛ برای مثال، یک فضای دنج و تاریک که پنجره ای روبه آن باز نشود، می تواند شرایط را برای بسیاری از جرائم (مزاحمت خیابانی، سرقت، مصرف مواد و ...) فراهم کند یا با ایجاد فضاهای دلپذیر و خاطره انگیز برای مردم و فراهم ساختن شرایطی برای تعامل های خانوادگی و اجتماعی، احساس وابستگی و تعلق را به فضاهای شهری یا مکان های زندگی شان فراهم آورد و به این ترتیب، از تمایل به مهاجرت، طلاق، آسیب های محیطی و ... کاست. نماهای شهری که نمودی از فضای شهری هستند، به لحاظ بصری اولین مواجهه ی انسان با شهر هستند. آسایش بصری و محیطی، یکی از مولفه های فضاهای شهری امن است. نماهای شهری نامطلوب با ایجاد اغتشاش بصری، باعث آلودگی دیداری یا رنگی می شوند. نتایج بررسی های متعدد حاکی از وجود همبستگی آماری فراوانی وقوع جرائم و رفتارهای آنومیک (آلودگی رفتاری) با مکان های آلوده است. زمانی که انسان بطور دائم در معرض این آلودگی ها باشد، می تواند موجب تحریک های عصبی نامطلوب و در نهایت پریشانی و آشفتگی ذهنی و روانی افراد شود و زمینه را برای تشدید آسیب های اجتماعی فراهم کند؛ به طوری که می توان گفت شهر، آینه ی تمام نمای جامعه است.

نتیجه گیری:

با توجه به افزایش روزافزون جمعیت و با عنایت به اینکه جرم یک حقیقت انکارناپذیر زندگی اجتماعی بشر است، جامعه ناگزیر از ارائه راهکارهایی برای کاهش عوامل آسیب زا می‌باشد، نظریه‌های مختلف محققان ثابت نموده که محیط کالبدی نقش بسزایی در کاهش یا افزایش وقوع جرایم دارد لذا به نظر می‌رسد در موضوع آموزش گنج‌نیدن واحدهای درسی جرم شناسی ولو به میزان کم و محدود همچنین برگزاری کارگاه‌هایی در دانشکده‌های معماری و شهرسازی و عرضه آموزش‌های لازم شهرسازان همچنین ایجاد دوره‌های آموزشی کاربردی برای کارکنان زیربسط شهرداری‌ها و ادارات مسکن و شهرسازی تاثیر بخشی خود را در بیلان جرم و بزهکاری در جامعه خواهد داشت. جرم شناسان با جدیت بسیار دنبال نظام دهی عواملی بوده‌اند که در جرم دخیل هستند در این راه به مباحث زیادی توجه شده از جمله عامل فقر، محیط اجتماعی فرد، خانواده، گروه دوستان، گروه‌های محیط فرد و... در به محیط فرد چه از لحاظ طبیعی و چه سایر عوامل انسانی نیز مطرح بوده است، هرچند به خاطر مشخص نبودن ظاهری ارتباط این عوامل با جرم توجه چندانی به آن نمی‌شود و شاید در یک نگاه ساده و زودگذر معنادار و قابل انتسابی بین محیط و وقوع جرم مشخص نباشد ولی مسلماً می‌توان ساختار محل زندگی و پیشگیری از جرم رابطه‌ای موثر ترسیم کرد، این ترتیب پیش بینی یک سری اصول ساخت و ساز می‌توان بخشی از وقوع جرائم را کنترل نمود و کاهش داد چرا که یکی از عناصر مهم هر شهری درون آن با ماهیت خانه‌ها و ساختمان‌ها و نیز خیابان‌های آن شهر است، چرا که انسان‌هایی که در یک شهر زندگی می‌کنند نمی‌توانند بی‌تأثیر از اطراف خود بوده رفتار آنان را مستقل از محیط دانست این را قاطعانه می‌توان گفت پیشگیری و کنترل ارتکاب جرائم در شهرها و خیابان‌های درون آن می‌شود از قبل و به هنگام برنامه‌ریزی و طراحی و ساختن بخش‌های مختلف شهری تدابیر موثری را اندیشید و به کار برد.

منابع

۱. مزینی، منوچهر، فرهنگ و زیبایی شناسی شهری، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۷.
۲. کلانتری، اصغر و همکاران، شناسایی و تحلیل مکانی کانون های جرم خیز: منطقه ۱۲ شهر تهران، فصلنامه پژوهشی، امنیت و نظم اجتماعی، سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵.
۳. کلانتری، م، (۱۳۸۲)، بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی انسانی، ش ۸۱، ص ۹۸-۴۲.
۴. قائمی اردکانی، مهرآفرین، (۱۳۹۷)، تاثیر محل سکون در بزهکاری از دیدگاه جرم‌شناسی، دانشگاه بویین زهرا، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی
۵. رستمی، بیات، روح الله و محسن کلانتری و حسنی سعید (۱۳۸۹) توانمند سازی معابر و محلات شهری در برابر بزهکاری از طریق طراحی محیطی - دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری- مشهد مقدس ص ۳۲-۲۰
۶. گسن، ریمون، (۱۳۸۵)، تحول سیاست پیشگیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب نامه قانونی ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.
۷. گلدوزیان، ایران (۱۳۶۹)، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
۸. متین فر، محمدرضا، (۱۳۹۲)، راهکارهای پیشگیری از جرایم شهری، ص ۷